



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمبر: ۸۸۸۸۰۷۱۹
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۳۳
نمبر: ۸۸۸۶۱۲۷۹
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روز تاب
تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewsagency.ir

تهران : آذان ظهر ۱۱:۵۱ آذان مغرب ۱۷:۱۲ آذان صبح فردا ۵:۲۳ طلوع آفتاب ۶:۵۱

نقد فرهنگ

مدینه فاضله مرد خسته



روبرت صافاریان

پیش می‌آید که کتابی سالیان دراز در کتابخانه‌تان افتاده، هرازگاهی آن را ورق زده‌اید، اما چنگی به دل تان نزده و رهایش کرده‌اید. اما یکبار که از سر حوصله یا به توصیه کسی بخش‌هایی از آن را می‌خوانید، ناگهان گنجی در آن می‌یابید که چشم‌تان را به روی دنیای جدیدی می‌گشاید. باغ گذر گاه‌های هزارپیچ نوشته خورخه لوپیس بورخس به ترجمه احمد معرایی، یکی از این کتاب‌ها بود تا اخیراً نقل قولی از بورخس درباره آمار از داستانی به نام مدینه فاضله مرد خسته، مرا به دنیای مردی پرتاب کرد که طور دیگری می‌بیند و می‌اندیشد و بعد، همه داستان‌هایش را یک به یک بلعیدم و در هریک چیزی یافتم بکر؛ هر چند نکات بسیاری در میان آنها برایم مهم ماند، اما چه باک، آن طور که خودش می‌گوید مهم بازخواندن است و بورخس از آن نویسندگانی که آثارش را می‌توان بارها و بارها بازخواند و اکنون گوشه‌هایی از آیندهای که بورخس در داستان مدینه فاضله مرد خسته توصیف می‌کند: «ز لباس تان چنین پیداست که از قرنی دیگر می‌آیید، زبان‌های گوناگون، مردمان گوناگون را خوش می‌آمد و حتی جنگ‌های گوناگون را. جهان باز به زبان لاتین روی آورده است. کسانی از آن بیم دارند که مبدا باز انحطاط یابد و به فرانسه، لموزی و پایپامنتو منقسم گردد، اما خطری آئی در کار نیست. ... بیا باید از واقعیات صحبت نکنیم. واقعیات دیگر برای هیچ‌کس اهمیت ندارد. آنها فقط نقاط عطفی برای ابداع و استدلالند. در مدرسه‌ها به ما شک و هنر فراموش کردن می‌آموزند -از همه بالاتر فراموش کردن آنچه شخصی و محلی است... ما نه تاریخ داریم نه سنوات تاریخی. ما آمار هم نداریم... من نمی‌توانم اسمم را به شما بگویم. من فقط فلاتی خوانده می‌شوم. هیچ‌کس نمی‌تواند دو هزار کتاب بخواند. در چهار قرنی که زندگی کرده‌ام بیش از ۱۵ کتاب نخوانده‌ام. از آن گذشته، بازخواندن اهمیت دارد، نه خواندن. چاپ - که امروز منسوخ شده است، زیرا گرایش به تکثیر متون گیج‌کننده شده بود - یکی از بدترین اختراعات رذیلانه انسان بود.

در گذشته عجیب من، این خرافه رواج داشت که هر روز، از یام تا شام، برخی اتفاقات رخ می‌داد که غافل بودن از آنها مایه شرمندگی بود. سیاره زمین را اشباحی جمعی -انگلستان، برزلی، کنگوی سوبیس و بازار مشترک - بر کره ده بودند. تقریباً هیچ‌کس چیزی از تاریخ مقدم بر آن اعیان افلاطونی نمی‌دانست، اما البته تمام جزئیات را درباره آخرین کنگره متخصصان تعلیم و تربیت می‌دانستند یا درباره تیرگی عن‌قرب روابط سیاسی... این چیزها خوانده می‌شد تا فراموش شود، زیرا چند ساعت بعد، چیزهای بی‌اهمیت دیگر، آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌داد.

ایا هنوز موزه‌ها و کتابخانه‌ها یا بر جا هستند؟ نه اگر به خاطر نوشتن مرثیه‌ها نبود سعی می‌کردیم گذشته را یکسر فراموش کنیم. اکنون نه مجالس یادبود و سالگرد هست، نه تندیس‌های مردان مردم. هریک از ما باید دانش‌ها و نیازهای خود را به وجود بیاورد. هر کس باید برنارد شاو خود، برامس خود و تر تر خود باشد.»

مجموعه‌ای از افکار ارتجاعی یا واپس‌گرا. اما از دگر سو، نگاهی بکر با چشمان شسته به آنچه به‌عنوان پدیده‌یات به ما آموخته‌اند. این افکار اگر واپس‌گرایانه تلقی می‌شوند، به این سبب است که ما تصوری از پیشرفت و ترقی و مسیر تاریخی یافتنمند و رو به پیش در ذهن داریم، غافل از اینکه همه جلوه‌های این پیشرفت می‌تواند به‌عنوان انحطاط نیز دیده شود. چلب، گیج‌کنندگی تکثیر متون، آمار، غرق شدن در جزئیات، خبرسازی رسانه‌ای و... همه می‌تواند چون کارهای غیرعقلانی انگاشته شود. نویسنده و اندیشمند بزرگ، آن است که زاویه نگاه تازه‌ای به روی ما بگشاید و ما را به اندیشیدن در آنچه بدیهی می‌نماید وادار.

آینده‌ای که بورخس ترسیم می‌کند، برخلاف آینده‌ای که در بیشتر فیلم‌های تخیلی می‌بینیم، این آینده‌ای تکنولوژیک، بلکه آینده‌ای است که با بازگشت به بدویت و عقاید و حکمت درست زندگی کردن، به جای تقدیس کور‌کورانه پیشرفت در ابزارسازی، مشخص می‌شود. اما از دنیای مدرن و بینش مدرن یک چیز در آن باقی مانده و آن نگاه انتقادی و شک کردن است. از این نظر آینده بورخس، آینده‌ای کاملاً ارتجاعی نیست. بازگشت به دنیای قرون وسطایی ما قبل چاپ نیست که در آن شک کردن عملی کفرآمیز بود، برعکس در آینده بورخس در مدارس به دانش‌آموزان شک کردن و فراموش کردن می‌آموزند. بورخس در عقلانی بودن دنیای متکی بر کمیات و جمع‌آوری بی‌تبعیض همه گونه اطلاعات تردید می‌کند و در داستانی کوتاه در چند صفحه پدیده‌یات، ما را درباره جهان مدرن به چالش می‌خواند.

شرق

روزنامه

شنبه آذر ۱۳۹۰، ۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۲، ۲۶ نوامبر ۲۰۱۱، سال نهم، شماره پیاپی ۱۴۰۲، شماره ۴۷۸ دوره جدید، ۱۲ صفحه، ۲۲ صفحه شنبه

بی‌تعارف

آبروداری کنیم



مینو مشیری

به آن نمی‌رسد زیرا پیش از آنکه توفیق یابد و به آن تکیه کند، در نرمی میل فرو رفته و غرق می‌شود.
آنهایی که تابلوی معروف پولیس، خواهر ناپلئون، را دیدند می‌توانند متصور شوند از چه نوع نیمکت سفیدی می‌گویم.
نمی‌دانم سادگی چه عیب و ایرادی دارد که لازم است متحمل چنین تجمل‌گرایی نامناسب و بی‌سلیقه‌گی مغرط در دکورهای تلویزیون شویم.
حس می‌زنم یکی از کارخانه‌های مبل‌سازی برای تبلیغ کالاهایش این میزها و صندلی‌ها و مبل‌های عجیب و غریب را به رایگان در اختیار تلویزیون می‌گذارد. مشکل بتوان متصور شد پول بی‌زبان را تلویزیون برای این کالاها مصرف کند و هدر دهد.
تلویزیون ما مسابقه هم دارد. دیددام مسابقه‌دهندگان بخت‌برگشته باید با پرش ارتفاع خود را با زاری و خواری روی صندلی‌های پایه بلندی پرتاب کنند و سپس با نگرانی و پاهای آویزان به سولات مجری جواب دهند که معمولاً نمی‌دهند زیرا حواس‌شان بیشتر به این است از آن ارتفاع سقوط نکنند
خواندم ۵۴ هزار مامور در آمارگیری و سرشماری سال جاری شرکت کردند. نمی‌شود فقط دو نفر از این ماموران کار کشته آمار تعارفات روزانه رادیو – تلویزیون را نیز به ما بدهند؟
روزی چند بار می‌شود به ما «عزیزان» سلام کرد و احوالپرسی کرد و خسته نباشید و دست شما درد نکند گفت؟ چرا این تداعی منفی افشانی، آبروداری کنیم همین.

برداشت آخر

فیلم فرهادی جایزه بهترین فیلم بلند داستانی را از آن گرفت

آسیا پاسیفیک به «جدایی نادر از سیمین» رای داد

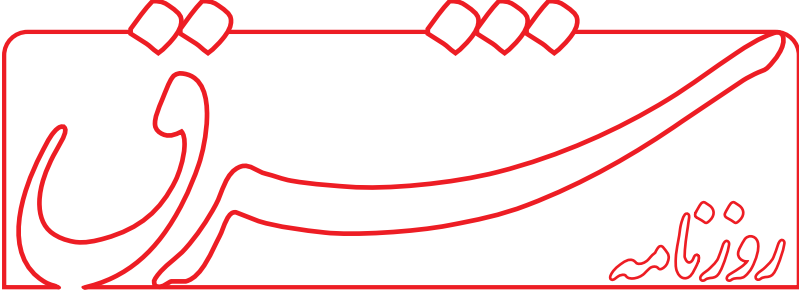


شرق: اصغر فرهادی پنجشنبه هفته گذشته در کوپینزنلند استرالیا جایزه بهترین فیلم بلند داستانی پنجمین دوره بخش بین‌الملل جایز اسکرین آسیا پاسیفیک (APSA) را از نشان شی، رییس هیات داوران و تهیه‌کننده هنگ‌کنگی دریافت کرد تا ورتین افتخارات فرهادی با «جدایی نادر از سیمین» کامل‌تر شود. «جدایی نادر از سیمین» در جشنواره پیدشین برلین برنده جایز خرس طلایی بهترین فیلم و خراسی نقره‌ای بهترین گروه بازیگران زن و بهترین گروه بازیگران مرد شد. جایز جشنواره‌های فیلم تورنتو، ونکو، آمستردام، سن‌پترزبورگ، سیندنی، ابوظبی و... از دیگر دستاوردهای بین‌المللی این فیلم ایرانی است. با این حال جایزه آسیا پاسیفیک نیز می‌تواند امیدهای این کارگردان ایرانی را برای حضوری موفق در اسکار بیش از پیش کند. فیلمی که نه تنها در این که در تور اکران خارجی‌اش با استقبال فراوانی روبه‌رو شده است و از بحث‌های مهم بخش اسکار غیرانگلیسی‌زبان از آن یاد می‌شود. در این دوره از جایز اسکرین آسیا پاسیفیک، فیلم فرهادی در بخش‌های بهترین دستاورد کارگردانی، بازیگر مرد (پیمان معادی) و فیلمنامه هم نامزد دریافت جایزه بود. سبنم‌های ایران در بخش‌های دیگری نیز نامزدهایی داشت: در بخش بهترین بازیگر زن، شایسته ایرانی برای فیلم «ین‌های روبه‌رو» و لیلا زارع برای فیلم «به امید دیدار». اینجمن‌های تهیه‌کنندگان «به امید دیدار» محمد رسول‌ف در دو بخش بهترین فیلم بلند داستانی و دستاورد کارگردانی نیز نامزد بود. با این حال «روزی روزگاری در آناتولی» ساخته نوری بیلگه جیلان از ترکیه که مانند «جدایی نادر از سیمین» در چهار بخش نامزد دریافت جایز اسکرین آسیا پاسیفیک بود، با دریافت

تالار مشاهیر

تجلیل از نصیریان با حضور راد، میرباقری و فردوسی‌پور

شرق: مراسم تجلیل از علی نصیریان در پایان اجرای دونمایش «آدم خویش می‌گیره» و «بازیگر و زنش» در فرهنگسرای نیلوران تهران برگزار شد. داوود میرباقری کارگردان سریال‌های «لهم علی» و «هختارنامه»، ایرج راد رییس خانه تئاتر ایران و عادل فردوسی‌پور مجری تلویزیون از جمله میهمانان ویژه مراسم تجلیل از استاد نصیریان بودند. نصیریان پس از سال‌ها با اجرای این دو نمایش در کنار محبوبه بیات به صحنه تئاتر کشور بازگشت و سالن اصلی فرهنگسرای نیلوران را برای



شنبه آذر ۱۳۹۰، ۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۲، ۲۶ نوامبر ۲۰۱۱، سال نهم، شماره پیاپی ۱۴۰۲، شماره ۴۷۸ دوره جدید، ۱۲ صفحه، ۲۲ صفحه شنبه

هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir



مرگ مولف

مرتضای گرافیک ایران

آرمان داوودی*

حالا که فکر می‌کنم اگر کاریزمای منحصربه‌فرد مرتضی ممیز نبود، همین گرافیک معاصر نصفه و نیمه‌ای که داریم هم نبود- با وجود انتظارها و بضاعت‌های بالقوای که هست و پهنه بی‌مرز ارتباط دیداری در رسانه‌ها و جهان مجازی و... این همه جوانی و طراوت مواج در عرصه طراحی گرافیک امروز که فقط بخش ناچیزی از آن از چنبره سعی و خطارها می‌شوند و چشم‌های تماشا را به دیدن دعوت می‌کنند.
باز به یاد می‌آورم در اواخر دهه ۶۰ در دانشکده هنرهای زیبا برای جوانکی ۲۰ ساله مثل من مرتضی ممیز آینه تمام‌نمای هنر گرافیک عصر خود بود با پیش‌زمینه‌های ذهنی خاصی به‌مثابه سالوده روش تدریس و شیوه انتقال تجاربش؛ آمیزه‌ای از سخته‌نگیری و صراحت و کشف و نوآزش که حضور در کلاس و کارگاهش آسان نبود. کنار آمدن با تک‌ضربهایی برای آنکه تکلی بخوری و بیدار شوی یا تاب تحمل عیان شدن لایه‌های جهانت و خامی را که با اشار‌های صریحش برملا می‌شد، داشته باشی و در کنار اینها بیاموزی که طراحی گرافیک پیش از آنکه هنری تفننی و بازی‌مآب باشد، دریچه‌ای است برای شناخت جهان پیرامون با زبان و امکانات بصری که از ناگزیر فرآیند ارتباط کلامی را به چالش می‌کشاند و بخشی از عناصر تفکیک‌ناپذیر زندگی روزمره می‌شود. از یاد نمی‌برم روزی را که ناراضی از روند پیشرفت کلاس طراحی پوستر (یا به قول خودش: اعلان) و بعد از نقایق نصایح تند و تیز یکی از شاگردان را (که خط خوشی داشت) به پای تخته صدا زد تا بنویسد: آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابد الدهر بماند! ... تأکیدی بر اینکه این مصراع در حقیقت نه‌تنها مصداق کم‌کاری کلاس پوستر بلکه نمادی از تنبلی عمومی جامعه گرافیک ایران است که زاینده و خلاق و پویا نیست آنچنان که باید باشد! در این سال‌ها

حالا که فکر می‌کنم اگر کاریزمای منحصربه‌فرد مرتضی ممیز نبود، همین گرافیک معاصر نصفه و نیمه‌ای که داریم هم نبود- با وجود انتظارها و بضاعت‌های بالقوای که هست و پهنه بی‌مرز ارتباط دیداری در رسانه‌ها و جهان مجازی و... این همه جوانی و طراوت مواج در عرصه طراحی گرافیک امروز که فقط بخش ناچیزی از آن از چنبره سعی و خطارها می‌شوند و چشم‌های تماشا را به دیدن دعوت می‌کنند.
باز به یاد می‌آورم در اواخر دهه ۶۰ در دانشکده هنرهای زیبا برای جوانکی ۲۰ ساله مثل من مرتضی ممیز آینه تمام‌نمای هنر گرافیک عصر خود بود با پیش‌زمینه‌های ذهنی خاصی به‌مثابه سالوده روش تدریس و شیوه انتقال تجاربش؛ آمیزه‌ای از سخته‌نگیری و صراحت و کشف و نوآزش که حضور در کلاس و کارگاهش آسان نبود. کنار آمدن با تک‌ضربهایی برای آنکه تکلی بخوری و بیدار شوی یا تاب تحمل عیان شدن لایه‌های جهانت و خامی را که با اشار‌های صریحش برملا می‌شد، داشته باشی و در کنار اینها بیاموزی که طراحی گرافیک پیش از آنکه هنری تفننی و بازی‌مآب باشد، دریچه‌ای است برای شناخت جهان پیرامون با زبان و امکانات بصری که از ناگزیر فرآیند ارتباط کلامی را به چالش می‌کشاند و بخشی از عناصر تفکیک‌ناپذیر زندگی روزمره می‌شود. از یاد نمی‌برم روزی را که ناراضی از روند پیشرفت کلاس طراحی پوستر (یا به قول خودش: اعلان) و بعد از نقایق نصایح تند و تیز یکی از شاگردان را (که خط خوشی داشت) به پای تخته صدا زد تا بنویسد: آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابد الدهر بماند! ... تأکیدی بر اینکه این مصراع در حقیقت نه‌تنها مصداق کم‌کاری کلاس پوستر بلکه نمادی از تنبلی عمومی جامعه گرافیک ایران است که زاینده و خلاق و پویا نیست آنچنان که باید باشد! در این سال‌ها

رویداد

نقد «پوئم سمفونی‌های خرمشهر و حلبچه» هوشنگ کامکار

شرق: هفدهمین نشست نقد نغمه روز یکشنبه ششم آذر با نقد و بررسی آلبوم «پوئمسمفونی‌های خرمشهر و حلبچه» اثر هوشنگ کامکار با حضور کیاوش صاحب‌نسق و هوشنگ کامکار در فرهنگسرای شفق برگزار می‌شود. در این نشست که از ساعت ۱۷:۳۰ روز یکشنبه آغاز می‌شود، کیاوش صاحب‌نسق (آهنگساز و مدرس دانشگاه) به‌عنوان منتقد به بررسی این آلبوم در حضور هوشنگ کامکار خواهد پرداخت. آلبوم «پوئمسمفونی‌های خرمشهر و حلبچه» از دو بخش

مجموعه مقاله‌های مارگز منتشر شد

ایسنا: مجموعه مقاله‌های گابریل گارسیا مارکز به فارسی منتشر شد. مجموعه مقاله‌های گابریل گارسیا مارکز، نویسنده کلمبیایی و برنده جایزه نوبل ادبیات با عنوان «هواییمای خار غنچه گل سرخ» از سوی نشر نقش جهان وابسته به نشر خوارزمی منتشر شده است. به گفته جاهد جهانشاهی، این مقاله‌ها در خلال سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۴ میلادی تألیف شده است. دو کتاب «نوشته‌های کرانه‌یی» و «داستانی رموز» مارکز با ترجمه بهمن فرزانه از سوی نشر ثالث به چاپ رسیده است.

استثنا

ناهید طباطبایی



■ جمعه، ششمین سالروز خداحافظی مرتضی ممیز بود. مثل هر سال قرار بود همه شاگردان و دوستان کنار مزار او بروند تا خاطره‌اش را گرمی بدارند اما این بار برف بر ما پیشی گرفت.
مزار مرتضی ممیز در سراسیمبی تپه‌ای در باغبان کلاست. در منطقه‌ای که این روزها به اسم کردان شناخته می‌شود. سنگ ساده‌اش امضای او را بر خود دارد و سمت چپ او، مزار فیروزه صابری است، همسر اولش که همه به نیکی از او یاد می‌کنند.
شش سال پیش در چنین روزی بود که شاگردان، دوستان و آشنایان مرتضی ممیز برای مراسم تدفین او بالای تپه رفتند و حتما همه به‌خوبی به یاد می‌آورند که از لب جاده تا پای تپه، ردی از نقاشی‌های کودکان باغبانان کلازمین را فرش می‌کرد. مرتضی ممیز بر فرشی رنگارنگ از نقاشی کودکان پا به منزل خود گذاشت.
شاید شش، هفت ساله بوده که اولین بار آثار او را دیدم، سیاه قلم‌هایی بر جلد کتاب هفته، نقش‌هایی که به چشم کودکی که من بودم، جدی و محکم و گاهی ترسناک بود، به‌خصوص وقتی که چهره رنج‌کشیده‌ای را تصویر می‌کرد. یادم می‌آید زیاد به این نقاشی‌ها نگاه نمی‌کردم، انگار می‌ترسیدم رنج آنها از چشم‌هایم به دلم راه یابند. بعدها که باسواد شدم، کتاب هفته مونسم شد و هنوز هم بهترین جای کتابخانه نشسته است. آن روزها نمی‌دانستم گرافیست کیست و طرح روی جلد یعنی چه و اصلا تصورش را هم نمی‌کردم که روزی نقاش آن تصاویر را بشناسم.

به گمانم ۲۰ سال پیش بود که اولین بار او را دیدم، دیگر در اوج بود، اوج کار حرفه‌ای و شهرت و باافاصله تحت تأثیر مهربانی، صداقت و راستگویی او قرار گرفتم. صفاتی که دارند فراموش می‌شوند و به تاریخ می‌پیوندند، صفاتی که در دنیای محافظه‌کار و حسابگر امروز، قدیمی شده‌اند و به همین دلیل عزیز هستند و باز از او یاد گرفتم که تنها دوست واقعی انسان کار است، کار و کار و اینکه ارزش کار خود را بدانی.

این روزها وقتی دلم تنگ می‌شود، به خانه هنرمندان می‌روم و او را می‌بینم که در انتهای راهروی سمت چپ ورودی ایستاده، دست‌هایش را توی جیبش کرده و از زیر سبیل بزرگش به همه لبخند می‌زند. آن وقت برایش دست تکان می‌دهم و اصلا هم برایم مهم نیست که کسی با تعجب بهم نگاه کند. وقتی کسی هست، هست!

برش از اخبار

کتابخانه دیجیتال حسینیه ارشاد رونمایی شد

■ ایسنا: کتابخانه دیجیتال حسینیه ارشاد هم‌زمان با سالروز تولد اندیشمند فقید، دکتر علی شریعتی چهارشنبه (دوم آذرماه) در محل برگزاری نشست‌های حسینیه ارشاد رونمایی شد. در این مراسم ناصر میناجی‌مقدم، موسس و رییس هیات‌مدیره حسینیه ارشاد، گفت: ساختمان جدیدی که برای کتابخانه حسینیه ارشاد آماده می‌شود، به نام دکتر علی شریعتی خواهد بود. در ابتدا این کتابخانه ۴۵۰ متر بود و ما با سرمایه ۴۵۰۰ جلد کتاب دکتر علی شریعتی این کتابخانه را گسترش دادیم و هنوز اسن ۴۵۰۰ جلد کتاب، سرمایه کتابخانه حسینیه ارشاد است. شریعتی به کتاب و کتابخوانی خیلی علاقه داشت و در وصیت‌نامه خود درباره ساخت حسینیه ارشاد گفته که آنچه شما بنا کرده‌اید، در آغاز یک ساختمان بود، اما اکنون یک ایمان شده و هر آجری که آن موقع گذاشته‌ام، امروز به یک دل و تفکر تبدیل شده است.

حضور کلونی و کریستیانو رونالدو در دادگاه برلوسکینی

■ یورونیوز: بر اساس اعلام دادگاهی در ایتالیا، جورج کلونی آمریکایی و کریستیانو رونالدوی پرتغالی در ارتباط با میهمانی‌های شبانه سیلویو برلوسکی در دادگاه حضور می‌یابند. بر اساس گفته‌های «کریمه المحروق» معروف به «روبی»، دختری که در سن کمتر از ۱۸ سال به طور غیرقانونی با برلوسکنی رابطه نامشروع داشته، جورج کلونی در میهمانی‌های نخست‌وزیر سابق ایتالیا حضور داشته اما بازیگر آمریکایی این ادعا را رد کرده است. وکلای مدافع برلوسکنی نیز نام کریستیانو رونالدو را در فهرستی ۸۰ نفره آورده‌اند تا به عنوان یکی از حاضران در میهمانی‌های جنجال‌برانگیز نخست‌وزیر سابق ایتالیا شهادت بدهد. در حالی که برلوسکنی و المحروق مراکشی‌تبار به رابطه نامشروع هنگامی که «روبی» ۱۸ ساله بوده، متهم هستند، اما دو طرف این اتهام را رد کرده‌اند.